



روایت در مورد بزرگ‌مردی که در ابعاد مختلف به چهره‌ای کم‌نظیر در زمان معاصر تبدیل شده، بسیار دشوار است آن هم در لحظاتی که داغ شهادتش آن چنان تازه است که تحملش برای امثال ما که دست پرورده دوران زعامت او هستیم تقریباً غیرممکن است. این ویژه‌نامه عرض ارادتی است به ساحت شهید قرآن؛ بزرگ‌آموزگاری که به ما آموخت قرآن کتاب زندگی و جهاد است.

درباره رهبر شهید، حضرت آیت‌ا... العظمی سیدعلی خامنه‌ای^(ع) که صبح روز دهم رمضان در حال تلاوت قرآن توسط استکبار جهانی و صهیونیسم خبیث به شهادت رسیدند



امید حسینی نژاد
دبیر ویژه نامه

به جای مقدمه

شهید قرآن



زیادی پایشان به این مسجد باز شد. همه آن‌ها به خاطر امام جماعت پرشور این مسجد از جای مشهد به آنجا می‌آمدند. در ماه رمضان سخنرانی مدون و منظم در تفسیر قرآن کریم شکل گرفت و با شیوه‌ای که پیش از این نمونه نداشت، سخنرانی‌هایی آتشین ایراد می‌شد. نکته جالب در این جلسه آن بود که قاری قرآن پس از سخنرانی ایشان به تلاوت می‌پرداخت و به نوعی سخنرانی مقدمه تلاوت بود و پس از اتمام سخنرانی، به مردم می‌گفتند حالا که مفاهیم این آیات را درک کردید، از تلاوت قاری لذت ببرید. ساواک پس از مدتی مانع سخنرانی ایشان شد و ایشان پایگاه جدیدی برای خود رقم زد. مسجد کرامت در نیش چهارراه نادری حالا میزبان ایشان شده بود. با حمایت ایشان نیز جلسه قرآنی در این مسجد راه افتاد و قاریان نوجوان و جوان زیادی از این جلسه سرپرآوردند.

شور قرآنی آسیدعلی‌آقا

شاید آن زمانی که جلسه قرآن مسجد کرامت از سوی «آسیدعلی‌آقا» راه‌اندازی شد، کسی فکرش را نمی‌کرد این حرکت مهم، در سال‌های بعد کانون مهمی برای فعالیت‌های قرآنی در مشهد شود. آیت‌ا... العظمی خامنه‌ای فعالیت‌های زیادی در دو مسجد کرامت و امام حسن مجتبی^(ع) داشتند. اشتیاق جوانان برای حضور در این دو پایگاه محوری و شنیدن سخنان امام جماعت مسجد وصف ناپذیر بود. حرکت‌های انقلابی در شهر مشهد از این دو مسجد آغاز شد و پس از گذشت مدتی و طی فرازونشیب‌های بسیار، انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید. پس از پیروزی انقلاب نیز این فعالیت‌ها ادامه داشت و کودکان و جوانان بسیاری در مسجد کرامت حاضر می‌شدند و قرآن می‌آموختند. مسجد در آموزش و تربیت نیروهای انقلابی نقش محوری داشت. با آغاز دوران زعامت حضرت آیت‌ا... العظمی خامنه‌ای جلسات ایشان با قاریان قرآن به یک قرار ثابت تبدیل شد. البته پیش از این در دوران ریاست جمهوری نیز جلساتی ثابت با قاریان قرآن داشتند، اما در دوره رهبری ایشان اول ماه مبارک رمضان موعودی ثابت برای دیدار با قاریان برجسته کشور شد. در برخی از سال‌ها قاریان مصری نیز در این مراسم شرکت می‌کردند و به تلاوت آیات الهی می‌پرداختند.

بیش از سی سال از برگزاری این دیدار می‌گذرد و هر سال قاریان در روز نخست ماه مبارک رمضان به دیدار رهبر معظم انقلاب می‌رفتند و از رهنمودهای قرآنی ایشان بهره می‌بردند. حالاً می‌توان دوباره ردپای این انس و علاقه را تا دوران جوانی‌شان پیگیری کرد. آن هنگامی که مرحوم استاد علی مختاری و استاد سیدمرتضی سادات فاطمی با درخواست ایشان مدیریت جلسات قرآنی مسجد کرامت را برعهده گرفتند.

ماجرای شکل‌گیری مباحث عمیق و جریان ساز که بعدها در قالب کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» منتشر شد، ریشه در خفقان و محدودیت‌های امنیتی اسفند سال ۱۳۵۲ شمسی داشت. مسجد امام حسن مجتبی^(ع) در ابتدا فضایی بسیار کوچک و محدود داشت که به تعبیر احادیث، همچون آشیانه مرغ سنگ خوار بود و برنامه‌های منسجم در آن امکان‌پذیر نبود؛ به طوری که سخنرانی‌ها فقط به شب‌های شنبه با محوریت نهج البلاغه محدود می‌شد. با این حال، استقبال پرشور طلاب، کسبه و جوانان به سرعت باعث رونق این مسجد شد و ضرورت توسعه فیزیکی آن را ایجاب کرد. این

داستان با پیچیدن آوای خوش قرائت قرآن در گوش سیدضیاءالدین آغاز شد. او خردسال بود که محو صدای زیبای مادرش شد. او می‌گفت: دور مادرم جمع می‌شدیم و او با صدای زیبایی برایمان قرآن می‌خواند و به همین مناسبت آیاتی را که درباره زندگی پیامبران بود، برای ما توضیح می‌داد.

حالا پدرش (آقاسیدجواد) ضیاءالدین و برادر بزرگ‌ترش را به مکتب فرستاد تا در آنجا قرآن یاد بگیرند. او کوچک‌ترین بچه‌ای بود که در مکتب زیر نظر استادش که بانویی پرهیزگار بود، آیات قرآن را فرامی‌گرفت.

پنج‌ساله که شد، به دبستان رفت و مدیر مدرسه متوجه صدای زیبای ضیاءالدین شد و از او خواست تا سر صف قرآن بخواند. این نخستین باری بود که او مقابل جمعیت زیادی با اعتماد به نفس آیات قرآن را با صوت خوش تلاوت می‌کرد. حالا او قرآن خوان مدرسه شده بود. وقتی آیت‌ا... سیدابوالقاسم کاشانی و سیدنورالدین حسینی شیرازی به مشهد سفر کردند، سیدضیاءالدین نه‌ساله در مراسم پیشواز از این دو شخصیت با صدای خوش قرآن خواند.

وقتی پدرش متوجه شد که او علاقه زیادی به تلاوت دارد، از حاج رمضان بنکدار خواست تا اسلوب تخصصی تلاوت و تجوید را به ضیاءالدین بیاموزد. پس از گذشت مدتی برای یادگیری تخصصی‌تر تلاوت به جلسات آخوند ملاعباس می‌رفت. جلسه قرآن او در یکی از اتاق‌های بالای صحنه کهنه برپا می‌شد. آخوند ملاعباس، بزرگ‌ترین شاگرد سیدمحمد عرب زعفرانی، بزرگ‌ترین استاد قرآن مشهد در آن زمان بود. سیدمحمد عرب اسلوب نوین تلاوت قرآن را به ملاعباس آموخت و او نیز با همین روش به شاگردان خود آموزش داد.

سیدضیاءالدین پس از مدتی راهی حوزه علمیه شد و حالا همه او را با نام اصلی‌اش یعنی «سیدعلی» صدا می‌زدند. پدرش این نام را برای او انتخاب کرده بود، اما خودش علاقه داشت تا با نام «ضیاءالدین» نیز او را صدا بزنند. سیدعلی نوجوان روزها مشغول به تحصیل دروس خود بود و در ایام فراغت رادیو را برمی‌داشت تا به زحمت موج رادیوقاهره را پیدا کند. در یکی از این روزها تلاوتی از رادیوقاهره پخش شد که او را شیفته خودش کرد؛ به طوری که تلاوت‌های دیگر قاریان را از یاد برد.

شیخ مصطفی اسماعیل، ملقب به اکبرالقرء، آن قاری‌ای بود که سیدعلی جوان شیفته صدا و الحان هنرمندانه‌اش شد. اما او هنوز از شنیدن تلاوت او سیراب نشده بود. متوجه شد که یکی از دوستانش، سیدجعفر قمی، عازم سفر مصر است. از او خواست تا نوارهای تلاوت شیخ مصطفی را از مصر برایش بیاورد.

این انس با قرآن رفته‌رفته سبب شد قاریان مشهدی که با سیدعلی‌آقای خامنه‌ای ارتباط داشتند، با قاریان مصری آشنا شوند. ایشان نخستین کسی بود که کاست تلاوت شیخ مصطفی اسماعیل را به سیدمرتضی سادات فاطمی، یکی از قاریان جوان آن دوره، داد و از او خواست تا برای پیشرفت در تلاوتش از مصطفی اسماعیل تقلید کند. کم‌کم دیگر قاریان مشهدی نیز با تلاوت‌های او آشنا شدند و مسیری جدید در توسعه تلاوت در مشهد شکل گرفت.

پس از مدتی، ایشان امام جماعت مسجد امام حسن مجتبی^(ع) شدند. پس از هر نماز چند دقیقه‌ای تفسیر آیات قرآن را برای مردم می‌گفتند. کم‌کم جوان‌ها و دانشجویان